

«کنفرانس ملی کار»

مجموعی برای عوام فریبی و توجیه تشدید بهره کشی

هدفهای سیاست توسعه اقتصادی و اجتماعی ایران است. و در این زمینه از کنفرانس خواست: «با ارائه راه حلهای مناسب و منطقی، مزد و بهره وری کار را بیش از گذشته بهم نزدیک و مرتبط سازد تا کارگر دلسوزی بیشتر - انضباط بیشتر و کار آلی بیشتر در افزایش تولید و بهبود کیفی آن نشان دهد». همین اظهارات شاه در باره «انضباط بیشتر»، «دلسوزی بیشتر» و «کار آلی بیشتر»، هدف اصلی کنفرانس را که تشدید استثمار کارگران است بخوبی نشان میدهد.

سخنان نخست وزیر و وزیر کار نیز امسال حاکی از آن بود که صنایع ایران با دشواریهای جملی روبروست. بطوریکه دیگر نمیتوان در باره آنها سکوت کرد. پروژه آمارهایی که در زمینه های مختلف در کنفرانس مطرح گردید نشان داد که چشم انداز رشد صنایع ایران تیره و تار است. این اعتراضات پس از آنست دنباله در صفحه ۲

معادن مطالبی میگوید: و آنگاه طی سه روز دیگر شرکت کنندگان سخنرانیهایی میکنند که معمولاً متضمن ستایش از بهریرهای «خرمندانه» شاه است. کمیسیونهای هم برای بررسی موضوعات اصلی کنفرانس تشکیل میدهند و سرانجام قطعنامه طومار مانند تنظیم میکنند که مواد اصلی آن در پیام شاه معین شده است. قطعنامه های کنفرانسها جنبه توصیه دارد و اجرائی آنها برای هیچ ارگانی الزامی نیست.

مسئله تشدید استثمار

در کنفرانس، نهم که امسال از ۲۵ تا ۲۷ اردیبهشت برگزار شد بطور عمده بر روی آنچه که در زمانهای اخیر «ضایعات نیروی انسانی کار» مینامند و با گرایش رژیم به تشدید بهره کشی از کارگران و زحمتکشان مشخص میگردد تکیه شده بود. شاه در پیام خود تأکید کرد: «افزایش بهره وری از

اطلاعیه مشترک حزب توده ایران و حزب سوسیالیست کارگری مجارستان



روز دوشنبه ۳۱ مه ۱۹۷۷ ملاقاتی میان یانوش کادار دبیر اول کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان و ایرج اسکندری دبیر اول کمیته مرکزی حزب توده ایران انجام گرفت. در این ملاقات که در محیط صمیمانه و رفیقانه بود و در باره فعالیت و پیوست در باره فعالیت و روابط دو حزب و همچنین درباره مسائل کنونی جنبش بین المللی کمونیستی و کارگری تبادل نظر بعمل آمد. در این ملاقات آندراش گنش دبیر کمیته مرکزی حزب سوسیالیست کارگری مجارستان نیز حضور داشت.

بناسبت شخصیت سالگرد انقلاب کبیر اکبر

ارزیابی ها و گواهی ها

به ملت ایران نموده است. از جمله لنین قرار داد های قبل و بعد از ۱۹۰۷ را که با استقلال و حاکمیت دولت ایران صدمه وارد میآورد، باطل کرد.

(دکتر امیر علانی وزیر پیشین - پیام نو شماره ۴ سال ۱۳۲۵ صفحات ۳ - ۴)

«ملت ایران خاطره لنین و دوستی ایران میشارد. زیرا فراموش نمیکند که لنین و کشور شوروی از همان آغاز تاریخ خود دست دوستی بخلاف ملت ایران دراز کردند و زنجیرهای اسارتی که تزارها بگرفتند ما گذاشته بودند در هم شکسته. عهد نامه های ظالمانه ای را که بر این ملت تحمیل شده بود و پیمان شوم ۱۹۰۷ را که جهانخواران آنروز بزبان ما بسته بودند، پاره کردند. آری مردم ایران دوستی شوروی و ایران را عزیز میشارند.» (دکتر علی اکبر فیاض استاد دانشگاه پیام نو، شماره ۵ سال ۱۳۳۰)

«این سفری که با اتحاد شوروی کردم نخستین سفر من به آن سرزمین پس از انقلاب اکبر و برقراری حکومت شوروی بود. دولت شوروی قوام کامل یافته دنباله در صفحه ۲

نچنانکه من در گذشته دیده ام، اگر دولت اتحاد جماهیر شوروی از صحنه سیاست بین المللی ایران غایب شود، برای ما در هوای آزاد هم تنفس دشوار است.» (دکتر محمد مصدق)

«انقلاب روسیه روح افسرده آزادخواهان ایران را جوان و زنده نمود و من در نتیجه انقلاب مزبور باز خود را برای دخول در جامعه نگارندگی حاضر ساخته و تشکیلات سیاسی دموکراتها نیز بیشتر این اقدام را تسریع نمود.»

(ملک الشعراء بهار، دیباچه نوبهار سال ۱۲، دوره ۴)

«ما با دولت بزرگ و پر ثروت و پر جمعیت و توانائی در سراسر شرق و شمال همسایه ایم و این دولت اتحاد جماهیر شوروی است. ما باید با این همسایه و این دولت عظیم که نزاد های مختلف را با قانونی یکپارچه بهم اتصال داده و آنها را بحرکت سربری واداشته است آشنا باشیم، دوست باشیم و یکدیگر را بخوبی بشناسیم.»

(ملک الشعراء بهار، پیام نو، سال اول شماره ۷، سال ۱۳۱۳، صفحه ۲۸)

«علاقه ایرانیان به لنین از اینجهت است که این مرد بزرگ همواره نسبت به میهن عزیز ما ابراز علاقه کرده و کمیکهای فراوانی که در تشدید روابط حسنه بین دو دولت دوست و همسایه مؤثر بوده است

از نه سال پیش، در اردیبهشت ماه مجلسی بنام «کنفرانس ملی کار» تشکیل میشود که در آن گروهی از دولتیان و صاحبان صنایع و تنی چند از نمایندگان سازمان دولتی کارگران گرد هم می آیند تا باصطلاح خود، تنگناهای کار را مورد بحث قرار دهند. این کنفرانس همیشه با یک پیام از جانب شاه (که یکی از بهریران آنرا میخواند) آغاز میشود. سپس نخست وزیر، وزیر کار و رئیس اطاق صنایع و

مردم

ارگان مرکزی حزب توده ایران

نتیجه زیانبخش توطئه امپریالیسم

و عمال او علیه او پیک

نفت (به ده درصد بالا برد و در مقابل یازده کشور اوپک از افزایش پنج درصد دیگر در ماه ژوئیه صرف نظر نمایند. زکی یمانی جاسوس سیا، عامل کارتهای نفت و وزیر نفت کشور سعودی حتی این پیشنهاد را هم رد کرد. باید گفت از این بالا تر نمیتوان به نفع خلق خود و دیگر خاقها خیانت کرد! بیستم در این پنج ماه که امپریالیسم و عوامالش توطئه علیه اکثریت قاطع اوپک از هر جهت ادامه دادند چه حوادثی رخ داد و به این سؤال پاسخ دهیم که اگر این یازده کشور بر سر تصمیم خود متحداً میایستادند چه فاجعه ای رخ میداد؟

حوادث نشان داد که در مورد ایران گر چه در اوایل امر (در ژانویه) سطح تولید پایین آمد ولی در ماههای بعد تولید راه بالا رفتن را در پیش گرفت و کمبود در آمد نفت که در آغاز پدید آمد بتدریج رو به بقصا نهاد. اگر ایران که سنگ «رهبری» اوپک را بسینه میزد راه عقب نشینی در پیش نمیگرفت، ایستادگی میکرد و دیگر کشور های اوپک را که در بین آنها عراق، لیبی، الجزیره، بختی حتی تصمیمات قبول کردند بمقاومت خود مطمئن میگردد و دیگر کشور های اوپک را بمبارزه سرسختانه تشویق مینمود. و در عین حال از هزینه های زیانبخش نظامی لائال برای جبران کمبود حاصل از نوسانات در آمد نفت میکاست. امروز در چنین وضعی قرار نمیگرفت و بتسلیم و چشم پوشی از تصمیمات خود در دوحه دست نمیزد. واگذار کردن ابتکار هر گونه اقدامی در زمینه های نفت بشکوری مانند عربستان سعودی که عامل و دلال امپریالیسم درخاور میانه است باین بهانه که این کشور میتواند تمام نیازمندیهای روز افزون نفتی جهان سرمایه داری را تأمین کند (!) و وحدت اوپک را بهم زند. در واقع سپردن سرنوشت پرهیواری ثروت کشورهای عضو دنباله در صفحه ۲

سر انجام توطئه امپریالیسم و کارتهای نفت ی عربستان سعودی و سازشکاران درون اوپک علیه یازده کشور عضو که طبق آن میبایست بهی آغاز ژوئیه ۱۹۷۷ پنج درصد افزایش یابد بدانجا کشاند که این کشور ها از اجرائی تصمیم نم پوشی کنند. در این باره روزنامه نیمه رسمی (ایرنشال هرالد تریبون) در ۱۴ ماه مه در مقاله خود زیر عنوان «اوپک اعلام داشته که بهی نفت را در اول ژوئیه پس گرفته است» بو تصمیم یازده کشور اوپک را بمشابه پیروزی سعودی در حرون اوپک منتشر کرد. این خبر منابع دیگر نیز تأیید گردید.

چنانکه میدانیم یازده کشور عضو اوپک در پایتخت قطر در نیمه ماه دسامبر ۱۹۷۶ باتوجه سریع بهی صادرات کشور های بزرگ صنعتی نفت (صنعت کم ۳۵ درصد) و باین آمدن خرید دلار، ثابت ماندن بهی نفت در مدتی سیم گرفتند برای ششماه یعنی از اول ژانویه تا آغاز ژوئیه همین سال ده درصد و از آن اول ژوئیه پنج درصد دیگر بهی نفت بیفزایند. کوچک از زیان حاصل از عدم توازن میان بهی واردات از کشور های بزرگ خریدار نفت را نمایند. در این اجلاسیه ایران که همواره با سعودی بعنوان بزرگترین صادر کنندگان دیگر کشور های (اوپک) را زیر فشار و تنگنا ول «اعتدال» و «میانه روی» و امیداشتند (در عین به بخاطر جلوگیری از تزلزل اقتصاد بیمار غرب، «اعتدال» و نقش ترمز کننده خود را در برابر ای عادلانه کشورهای مانند عراق، لیبی و الجزیره امارت افزایش حتی تا ۳۵ درصد بودند، ایفا ند) بملت نیاز فراوان بیول برای خرید اسلحه و انجام ت. خود در قبال امپریالیستها، با عربستان سعودی ب شاه خلیج فارس است این بار همگامی نکرد را و در موضع مناسب تر از او در درون اوپک در عربستان سعودی و اخوی کوچکش امارات عربی در اجلاسیه دوحه ابتدا با هر گونه افزایش بت مخالفت کردند و سپس برای جلوگیری از طلق خود (و نه بخاطر حفظ وحدت اوپک) و داغ تنگ تازه ای که در میان خاقهای منطقه بر پیشانی آنها زده میشد (گرچه بقدر کافی هستند) بهی نفت خود را فقط پنج درصد بالا در همین حال عربستان سعودی بعنوان بزرگترین کننده نفت جهان، کشور های دیگر را باز دیاد نفت خود (تا ۴۰ درصد) و سرازیر کردن آن رزانت بازار های جهان تهدید کرد. پس از (دوحه) نماینده قطر که ریاست اجلاسیه را داشت براه افتاد تا با «میانیگری» یازده کشور را وادار به «تعدیل» در «تعدیل» کند. افزایش ۱۵ درصد بخوبی خود تعدیل بزرگی بود - اینکه ابتدا با ایران که پس از کشور سعودی ترین صادر کننده نفت است و بهمین دلیل اوپک میتواند نقش قاطعی داشته باشد، وارد ه شن سپس از سایر کشور ها دیدار کرد و با نتهااد «تعدیلی» به عربستان سعودی رفت. خلاصه این بود که عربستان سعودی نیز مانند دیگر های عضو اوپک بهی نفت خود را از همان نویه ۱۹۷۷ (برای حفظ وحدت اوپک و بهی

افشاء رژیم ترور و اختناق

در مطبوعات جهان

روزنامه «مورنینگ استار» ارگات حزب کمونیست انگلستان اخیراً اطلاع داده است که دوتن از نمایندگان حزب کارگر در مجلس یعنی «استن نیونس» و «فلچر» به سفارت ایران در لندن مراجعه کرده و به نقض حقوق بشر در ایران اعتراض کرده اند. آنها در باره اقدامات ساواک و اعتراف شاه به فعالیت ساواک در انگلستان نگرانی خود را ابراز داشته اند. دو نماینده حزب کارگر به این امر که دارندگان ایندولوژی اشتراکی در ایران پیلی میز محاکمه کشیده میشوند، حق انتخاب آزاد وکیل مدافع را ندارند، شکجه میشوند و هیچ ناظر خارجی حق شرکت در دادگاه آنها را ندارد، اعتراض نموده اند. «استن نیونس» نماینده حزب کارگر در پارلمان انگلستان از جمله نویسندگان جزوای است که اخیراً با نام «ایران: امپراتوری ستم شاه» از طرف کمیته ضد اختناق ایران انتشار یافته است. در این جزوه گفته میشود پس از کودتای ۱۹۵۳ علیه مصدق، در دنباله در صفحه ۲

درگذشت



با اندوه فراوان از درگذشت رفیق حزبی ما
بایرام محمد مفسری که در اثر سکته قلبی در سن ۶۲
سالگی در شهر عشق آباد روی داد اطلاع یافتیم.
رفیق قدید در سال ۱۳۱۸ در دوران رضا شاه زندانی شد.
پس از تشکیل حزب توده ایران، جزو نخستین رفقایی
توانست که به حزب ما پیوست. وی در بنفشه
مسئول کمیته حزبی این شهر بوده است. در دوران
مهاجرت یادنامه تحصیل و نیل بدرجه «تلمذ علوم
فیلولوژیک» در رشته و زبان و ادبیات، توانست که تحقیق
میکرد و از مترجمان رباعیات عمر خیام از فارسی به
ترکمنی است. خاطره رفیق مفسری در قلوب همزمان
و دوستانش پایدار خواهد بود.

نتیجه زبانش تومله امیرالایسم

اولیک بکارها و انحصارات نفتی امپریالیستی و امپریالیست
هست. عربستان سعودی با ایران خشنودی پیروزمندانه
از اینکه یازده کشور عضو او یک از افزایش پنج درصد
در ماه ژوئیه ۱۹۷۷ صرف نظر کرده اند، خواستار
کم کردن آن ده در صد افزایش شد که اکثریت
مطلق اعضای او یک در پنج ماه پیش تصویب کرده
اجرا نمودند و نفت خود را نیز بفروش رساندند. تازه
عربستان سعودی پس از شش ماه قبول کرده است
که بهای نفت خود را اینک که دیگر کشورها از
پنج در صد صرف نظر کرده اند بده در صد برسانند.
دولت ایران که تا امروز قبولی خود را در مورد
حذف افزایش پنج در صد در ماه ژوئیه رسماً
اعلام نکرده و فقط بعضی جراید دولتی خبر «هرالد
تریبون» را ببلون تفسیر و اعتراض منتشر کرده اند
عمل خود را چگونه توجیه میکند؟ شاه که مکرراً
موضع خود را در اجرای تصمیمات حوجه غیر قابل تغییر
ثابت و محکم جلوه میداد چه تفسیری برای این عقب
نشینی شمشهانه دارد؟ گفته میشود که ۱۶ در صد از
تولید نفت ایران کم شده است بسیار خوب چه مانعی
دارد؟ مگر نه اینست که شاه مکرر فروش بی و پندار
نفت خام را که ماده غیر قابل تجدیدی است نافروست
ونا معقول خواند؟ حالا چه عیبی دارد اگر دست کم
شانزده در صد نفتی که برای خرید جنگ افزار و چپاول
و غارتگری زالوهای داخلی و خارجی مصرف میشد
برای مردم ایران بماند؟ مانه تنها مخالف حفظ وحدت
مراویک و یا هزاسان دیگری که تعلقه مقلومی در مقابل
امپریالیسم باشد نیستیم، بلکه برعکس قویاً جنبه داران
هستیم. اما حفظ وحدت نباید وسیله ای برای توجیه
اقدامات ضد ملی و مستعسکی برای پوشاندن نقش تخریبی
عوامل امپریالیسم در درون اینگونه سازمانها باشد. ما
اینگونه نقشه تخریبی را افشا و بر ملا میکشیم.
دولت ایران که اقتصاد خود را بر پایه درآمد نفت نهاده
سیاست نظامیگری را در پیش گرفته و تبعیت از امپریالیستها
و در درجه اول امپریالیسم آمریکا را مبنای اساسی سیاست
خود قرار داده، بویژه در آستانه سفر شاه به آمریکا
توان نیست حتی با وجود مشکلات عینی که با آنها
رو برو است، راهی جز سازش در پیش گیرد.

۱. گویا

کنفرانس ملی کار

که معایب عمیق اقتصاد ایران بیشتر از آن بر ملا شده
که بتوان آنها را پوشاند و مطبوعات خارجی «اکنونویست»
و «گاردین» در مقالات خاصی مطالب را علنی
کرده اند. دومین مسئله دستور کنفرانس کار یعنی
مسئله مسکن کارگران نیز در واقع آنهم بازتابی است
از یکی از بزرگترین نا بسامانیهای اجتماعی روز در
ایران و در عین حال کوششی است برای ایجاد توازن
در دستور جلسه و پارسیکی است در مقابل تشدید
بهره وری کار که محتوی اصلی کنفرانس بود.

آنچه که در قطعنامه کنفرانس در باره «یکسان
کردن دستور کار کارگران در کارهای مشابه» ایجاد
رابطه منطقی بین افزایش دستمزد و بهره وری (و نه
هزینه زندگی) و تقلیل منایعات در واحد های تولیدی
ویر این اساس تجدید نظر اساسی در قانون کار و بالاخره
باز کردن دست کارفرمایان به باز خرید مدت بیمه
کارگران و باز نشسته کردن آنان آمده، بطوریکه
کفایت در چارچوب تشدید بیش از پیش جنبه های ضد
کارگری سیاست رژیم است که از ملتی پیش دنبال
میشود و هدف آن سرکوب جنبش کارگری و ایجاد
شرایط مطلوب برای افزایش بهره کشی از کارگران
و تقویت بیش از پیش سرمایه داران بزرگ است.
این نکته هم لازم باید آوری است که در
دومین جلسه عمومی باصلاح، کمیسیون شاعشاهی
که امروز سی و یکم اردیبهشت یعنی تنها چند روز
پس از کنفرانس ملی کار تشکیل شد، نمایندۀ اتفاق
بازگانی و صنایع و معادن بر قابلیت اجرای طرحهای
کاهش منایعات و افزایش ظرفیت ۸۱۷ واحد صنعتی
بخش غیر دولتی سرمایه داری (باصلاح خصوصی) را
را در صورتی امکان پذیر دانست که ۱۲ مطلب مورد
توجه قرار گیرد. از جمله: کمبود کارگر ماهر -
کمبود مهارت فنی کارگران - ماده ۳۳ قانون کار -
جایجایی سریع کارگران ما بین واحد های تولیدی و
تقاضای مقررات انضباطی کارگاهی. از اینها که برشمریم
سه تبارش مستقیماً جنبه خنثی آسیر ضد کارگری
دارد. با توفیر ماده ۳۳ قانون دست کارفرما در اخراج
کارگران مزاحم، کاملاً باز میشود. جلوگیری از جابجایی
کارگران هفتش وابسته کردن کارگران بیک کارخانه
و کارگاه با دستمزد نازل و غیر واقعی است. بالاخره
عبارت تقاضی مقررات انضباطی کارگاهی خود بقتل
کفایت گویاست و منظور جلوگیری از اعتصابات و
هر گونه مبارزات کارگری پیشنهاد میشود.

مسئله مسکن کارگران

شایان توجه است که در تمام کنفرانسهای
ملی کار، که تاکنون تشکیل شده، مسئله مسکن
کارگران همواره یکی از موضوعات مورد گفتگو بوده است.
حسین قربانی نسب، رئیس «سازمان کارگران
ایران» طی سخنرانی خود در کنفرانس در این باره
چنین گفت: نزدیک به ده سال است در کنفرانسهای
ملی کار صحبت از تأمین مسکن برای کارگران شده
و حتی در یکی از کنفرانس ها جناب آقای هوبدا
نخست وزیر زبان بافتاد گفتند و گفتند: «اگر
اشخاصی که مسئول این کار هستند از خانه بیرون
بیایند و مدتی زیر چادر زندگی کنند آنوقت خانه
ساخته خواهد شد. بله، یعنی است کسیکه در مسکن
ندارد فقط ملافتی (ا) حرف میزند. اگر با این
سرعت پیش برویم اومری که صاف شده انجام نخواهد
گرفت. من هشدار میدهم کاسه صبر لبریز شده و
دیگر انتظار ندارم همکاری که در سطوح مختلف این
مسئولیت ها هستند تعلل نمایند. ما این تعلل را قبول
نخواهیم کرد. در زمان انقلاب تعلل خیانت است.
هوبدا در کنفرانس کنونی با گفتار و رفتار
خوبش صحت احکام قبلی خود را بغوی ثابت کرد و
نشان داد که کاخ نشین ها و دارندگان انواع قصرها
و خانه های وسیع و مجلل در شهر و جنگل و دریا کنار
و جزیره کیش و همچنین در آمریکا و اروپا - یعنی از
شاه و خانواده اش گرفته تا دیگر گردانندگان رژیم
و از جمله شخص هوبدا که در مسکن ندارند عوام
فریبی نمیکند و بفکر خانه سازی برای کارگران نیستند.
نخست وزیر بهنگام گذردن کنفرانس باقیافه
جدی گفت: «در موضوع تأمین مسکن برای کارگران
دولت همواره با جدیت پیگیر این مسئله بوده است.
ولی در آخرین لحظات کنفرانس او که میدانست هرچه
در باره تأمین مسکن کارگران گفته اند و میکروند

افشا رژیم ترور و اختناق

ایران مانند خیلی یکدوران اختناق حکمفرما شد. شاه
برای آنکه پرس کار بماند، دستگاه اختناق وسیعی با
کمک موسسو (سازمان امنیت اسرائیل) و سیا تشکیل
داد. شخصیهایی سیاسی، کارمندان کشوری، روزنامه
نویسان، اعضای اتحادیه های کارگری و بسیاری دیگر
تفاوت از کار اخراج، زندانی، شکنجه و اعدام شدند.
چهار سال پس از آنکه شاه بقتل رسید، دستور داد
که اعضای دو مجلس، دو حزب سیاسی گوش بفرمان
تشکیل دهند. شاه در کتاب خود بنام «ماوریت من
برای وطن» نوشته است: «من چون شاه کشور
مشروطه هستم دلیلی نمی بینم که مشوق تشکیل احزاب
نباشم و مانند دیکتاتورها تنها از یک حزب دست نشانده
خود پشتیبانی نمایم، اما هنگامیکه شاه در سال ۱۹۷۵
خواست حزب واحد رستخیز را تشکیل دهد اعلام کرد
که ممکن نبود بهمان آیدوزسیون مطیع نقش واکذار
کرد. در سال ۱۹۷۵ نودویچ درصد روزنامه ها و
مجلات در ایران توقیف شدند، هزاران روشنفکر زندانی
افتادند، شکنجه دیدند و برخی از آنها اعدام شدند.
روحانیان چون حاضر به مدیحه گوئی از شاه نشدند،
بازداشت و مورد شکنجه قرار گرفتند. در ایران زبان
فرسی یکنه زبان مجاز کشوری و آموزش، گفتگو و
مکتبه بهر زبان بومی دیگر ممنوع است.

در جزوه «ایران: امپراتوری ستم شاه» گفته
میشود: طی چند سال اخیر اعتصابات و مقاومت های کارگری
پیوسته گسترش مییابد، شماره روشنفکرانی که قادر به
تحمل رژیم هستند، دائماً کمتر میشود، اعتراض روحانیان
علیه محدودیتهایی که در باره آنها اتجام میشود،
دامنه گسترده تری میگردد و خلفه های ایران (از جمله کردها)
بمبارزه خود علیه رژیم ادامه میدهند.

بمنظور توجیه بی اعتدالی رژیم باین خواست حیاتی
کارگران است تاگهان بطور روزنامه اطلاعات خود را
به لودی زده و مانند «مش قاسم» در سریال تلویزیونی
«دانی جان ناپلئون» دست خود را بالا برده و گفته
عده چرا آقا...! «هر صاحب صنعتی که بخواهد
خانه سازمانی بسازد قول میدهم ترتیبی داده شود که
زمین در اختیارش گذاشته شود و ایستوارم تا قبل از
تشکیل کنفرانس دهم کار، حد اقل کلنگ خانه های
سازمانی بوسیله صاحبان زمین زده شود.»

این در حرکت نخست وزیرالایته باعث خنده حضار
شد ولی او ضمن شوخی حتی الزام ظاهری قطعنامه را
زیر پا گذاشت و صاحبان صنایع را، در ساختن و یانساختن
خانه های سازمانی صاحب اختیار دانست و سپس تا سال
آینده وعده زدن احتمالی چند کلنگ بزمین را داد.
چه کاری از این ساده تر؟ چند نفر کلاه سیلندری
دور هم جمع میشوند و کلنگی را برپایان زمین میزنند
و بی کار خود میروند. این کلنگ زدن ها خود نوعی
وعده بدون پشتوانه دادن و یکی از حقه های قدیمی
برای فریب زحمتکشان است.

این شوخی بیجای نخست وزیر را اگر در زمینه
وضع تم انگیز مسکن کارگران مورد توجه قرار دهیم
به بی تفاوتی جنایتکارانه گردانندگان رژیم نسبت به
سرنوشت خانواده های کارگری بهروریشتر پی خواهیم برد.
در کنفرانس آمارهای گوناگونی در مورد
وضع مسکن کارگران ارائه گردید. از جمله گفته
شد: چهل در صد کارگران در خانه های اجاره ای -
هشت درصد در خانه های سازمانی - چهار در صد در
مسکن بلا عروس و سه و نیم درصد در خانه های رهنی
زندگی میکنند. بقیه یعنی حدود ۴۵ در صد خانه
های شخصی دارند. اما این «دارندگان» خانه های
شخصی اکثراً روستائیان هستند که در روستا های
همجوار مراکز صنعتی، خانه های روستایی از خشت و
گل دارند. بهمین جهت ۹۲ در صد این صاحب
خانه ها از کمی اتاق و نامناسب بودن تجهیزات
خانه ها شکایت دارند.

در بررسی ها همچنین گفته شد که ۹۹٫۱ در
صد یعنی تقریباً همه کارگران اجاره نشین از گرانی
اجاره خانه از بدی محله و کمی تعداد اتاق نراستی
هستند.

در مورد گرانی کرایه خانه «گروه محققان»
به کنفرانس چنین گزارش داده اند: در سال ۲۵۳۰
(یعنی ۱۳۵۰) اجاره بهای مسکن ۱۵ تا ۲۵ در صد
درآمد و جمع هزینه های زندگی کارگران را تشکیل
میداد. در حالیکه شاخص های بانک ملی در پنج سال

ارزایی ها و گواهی ها

بود و با سرعتی شگرف که در تاریخ جهان ن
از ذخیره عظیم ملل خود نیروی کرد آورده
دیگر در ترازوی جهان کسی نمیتوانست آنر
بگیرد. سازندگان پی های جلودانی این سنا
عظیم که بزرگترین بناهای قرنزد آمدی بو
احترام و اعجاب همه جهانیان را جلب کرده
(سمند نفسی - زندگی و کار و
ماکسیم گورکی - تهران ۳۵
صفحات ۳ - ۴)

«بار سفر بستم و در اکتبر ۱۹۱۶ چ
پیش از شروع انقلاب به روسیه رفتم و در پط
آرروز و لنینگراد امروز اقامت کردم تا بوسیه
دنباله سفر را بگیرم و راه دریاهای دور را آغ
اما وجود زیر درانیهای آلمان در آبهای ساحلی
مانع از این سفر شد و در همین هنگام بود که
انقلاب آغاز شد و شورش بزرگ همه جانبه ای در
... من از نزدیک لنین را دیدم و در سخنرانیهای
او حاضر بودم. در آنوقت من زبان روسی را
تکلم نمیکردم و حرفهای لنین را خیلی خوب نمیف
نمیتوانید باور کنید روزیکه لنین در پالکن
بناهای کارگری شهر پتروگراد اعلامیه اتقا
خواند و من در پالین این پنجره ایستاده بودم،
تحت تأثیر و زیر نفوذ کار شگرف او قرار
میدانید در آنروز عظیم لنین چه گفت؟ او فر
بین روس وانگلیس، چشم پوشی از همه مزایا و
مالی دولت تزاری در ایران، الفانی کاپیتولاسیون
نقطه نظر دولت تازه شوروی اعلام کرد. کلمه
برای من که در آن پالین ایستاده بودم در ح
شدن درجه ای بسوی آزادی، بسوی نجات ملز
بود. (از خاطرات سید ضیاء الدین طیار
تهران - مصور - مورخ اسفند ۴۳)

«بالاخره لنین اعلام نمود که عهدنامه
روس و انگلیس را پاره کردم و کلیه امتیازات
جابر تزاری در ایران ملغی است. این تظاهرات
هیجانی در افکار عمومی ایران کرد و مردم غرق
شدند و به یکدیگر تبریک میگفتند.»
(دکتر متین ففتری - مفاخراتی از
عقوان جوانی، سالنامه دنیا - سال
۱۳۴۰ - صفحه ۶)

«یک عامل خیلی بزرگ و بسیار مهم که
در آزادی سیاسی داخلی مؤثر بود، بلکه در
خارجی و بقای استقلال ایران مؤثر ترین عامل و
ترین سبب بود... انقلاب بزرگ روسیه بود
۱۳۳۵ (۱۹۱۷ مسیحی) که در موقع خود نسب
ایران نعمت عظمی و در واقع یک موهبت الهی بود
مملکت که از آن راه گرامت شده... آن
و سرنگون شدن رژیم امپراطوری برای ایران بزر
واقعه تاریخی ۱۵۰ سال اخیر بود و هیچ شکی
که اگر در پایان جنگ اول جهانی آن انقلاب
نیامده بود امروز نه از ایران و نه از ترکیه اثری
نداشت و یکباره بکم ازدها رفته بودند... آن
در حکم باز کردن طناب از گلو یک معالو
آخرین نفس بود»
(سید حسن تقی زاده «تاریخ اوایل
مشروطیت ایران، تهران - ۳۳۸
صفحات ۶۷ - ۶۸)

گذشته نشت میدهد که نرخ مسکن و اجاره
و حششکی افزایش پیدا کرده و امروز این رقم
بالای پنجاه در صد درآمد او را دربر میگیرد
نتیجه گیری ببلون هیچ توضیح اضافی گویوی
شدید زندگی بر خانواده های کارگری بغ
خانواده های پر اولاد است.

بیکار طبقاتی درمیان ما ایران پیوسته دامنه
میکرد. رژیم که نماینده سرمایه داری بزرگ
و وابسته به امپریالیسم است میکوشد زنجیر
اشارت توده های زحمتکش را سنگین تر کند
طبقه کارگر چند میلیونی ایران هم دیگر از
کافی برای مقابله با توطئه های رژیم برخوردار
بویژه اگر این نیرو با آگاهی طبقاتی ترکیس
ناقوس مرگ رژیم طنین خواهد افکند.
ک. پوز آذر